

## **Evaluation of Modern Spirituality in the Meaning of Human Life**

**Mehdi Nemati\***

**Seyed Sajad Jafari\*\***

### **Abstract**

Modernity, which represents newness, breaking from the past and entering an emerging future, has influenced all aspects of life, including religion, and is in conflict with the role of divine religions, including the role of religions in giving meaning to life, and is looking for a new meaning. It is from life. For this reason, the present research, by examining the role of modern spirituality in the meaning of life, seeks to answer the question, how does modern spirituality give meaning to life and what are its strengths and weaknesses? The method of descriptive-analytical research and data collection has been done using library resources. The results of the research have shown that modern spirituality also considers human life as having meaning and purpose, and having advantages such as emphasizing modern rationality, considering the conditions of modern man, reducing the pain of modern man... in the first place, in order to create the meaning of an attractive, reasonable life. And it seems efficient; However, due to being human-centered, the foundation only uses its own rationality to understand spirituality, and this initial image of modern spirituality is lost; Therefore, modern spirituality is limited to the minimum in the meaning of life and has a more pragmatist approach, which is a soothing and sedative method for humans.

**Keywords:** Spirituality, meaning of life, strengths, weaknesses.

\* PhD student at the University of Religions and Religions (Corresponding Author),  
mnemati373@gmail.com

\*\* Assistant Professor, Department of Education, Farhangian University, sayyedjafari313@gmail.com

Date received:2022/01/13, Date of acceptance:2022/02/26





## ارزیابی معنویت مدرن در معنابخشی زندگی انسان

مهدی نعمتی\*

سیدسجاد جعفری\*\*

### چکیده

مدرنیته که بیان‌گر تازگی، گسست از گذشته، و ورود به آینده‌ای درحال ظهور است بر تمامی جنبه‌های زندگی از جمله دین تأثیرگذار بوده است و در تضاد با نقش ادیان الهی، از جمله کارکرد معنابخشی به زندگی، قرار گرفته و به دنبال معنای جدیدی از زندگی است. به همین جهت، پژوهش حاضر با بررسی نقش معنویت مدرن در معنای زندگی به دنبال پاسخ به این سؤال است که معنویت مدرن چگونه به زندگی معنا داده و دارای چه نقاط قوت و ضعفی است؟ روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیان‌گر آن بوده است که معنویت مدرن نیز زندگی انسان را دارای معنا و هدف می‌داند و با داشتن امتیازاتی مانند تأکید بر عقلانیت مدرن، ملاحظه شرایط انسان مدرن، کاهش درد انسان مدرن، و ... در وهله اول، جهت ایجاد معنای زندگی جذاب، معقول و کارآمد به نظر می‌رسد، ولی به‌خاطر انسان‌محوربودن تنها از عقلانیت خودبنیاد برای شناخت معنویت استفاده می‌کند و این تصویر اولیه از معنویت مدرن از بین می‌رود. بنابراین، معنویت مدرن در معنای زندگی به حداقل‌ها اکتفا کرده و بیش‌تر رویکردی پراگماتیستی دارد که روشی تسکینی و تخدیری برای انسان است.

**کلیدواژه‌ها:** معنویت، معنای زندگی، نقاط قوت، نقاط ضعف.

\* دانشجوی دکتری دین‌پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)، [mnemati373@gmail.com](mailto:mnemati373@gmail.com)

\*\* استادیار، گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان بوشهر، [sayyedjafari313@gmail.com](mailto:sayyedjafari313@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷



## ۱. مقدمه

انسان موجودی کمال‌گراست که از بی‌هدفی و پوچی به‌شدت گریزان است، و برای او زنده‌ماندن زمانی ارزش دارد که زندگی در نظرش معنا و هدف داشته باشد؛ درغیراین‌صورت، دچار ناکامی شده و از زندگی احساس رضایت نخواهد داشت. به همین جهت، در طول تاریخ یکی از مهم‌ترین مباحث موردنظر اندیشمندان همواره پیدا کردن معنایی برای زندگی بوده است. تازمانی که ادیان پاسخ‌گوی معنای زندگی بودند، انسان می‌دانست که چرا به دنیا آمده، چرا زندگی می‌کند، و سرانجام به کجا خواهد رفت. با تغییراتی که در دنیای مدرن به‌وجود آمد، به‌تبع آن، تمام جنبه‌های زندگی انسان از جمله معنویت و برداشت از دین نیز متحول شد. به‌نظر می‌رسید جهانی که دنیای مادی انسان را متحول کرده می‌تواند دنیای روحی انسان را نیز تغییر دهد و انسان را به ساحل آرامش برساند. زمان زیادی نگذشت که احساس بی‌معنایی بر زندگی آدمیان نشست و اضطراب و پوچ‌انگاری در همه‌جا سایه گستراند. به همین جهت، ضرورت انکارناپذیر جست‌وجو و واکاوی معنای زندگی بیش‌ازپیش خود را نشان داد و آتش پرسش از معنای زندگی و خاستگاه معنابخشی به حیات بشری بیش‌ازپیش و ناگزیرتر از همیشه و هرروز در وجود آدمی شعله کشید و مسئله معنای زندگی به‌عنوان یکی از پرسش‌های بنیادین برای بشر امروزی مطرح شد. اندیشمندان مدرن، از جمله عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان، که پژوهش حاضر بیش‌تر ناظر بر آرای این دو تن به‌عنوان طرف‌داران معنویت مدرن است، سعی نمودند معنای جدیدی از زندگی که با تغییرات جدیدی که بشر تجربه می‌کند هماهنگ باشد به زندگی بشر عرضه نمایند. به همین جهت، در پژوهش حاضر با بررسی نقش معنویت مدرن در معنابخشی زندگی به‌دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که معنویت مدرن در معنابخشی زندگی تاچه‌اندازه توانسته است به‌معنای قابل‌قبولی که انسان امروزی را از تشویش و نگرانی نجات بدهد موفق باشد؟ نقاط قوت و ضعف معنویت مدرن کدام‌اند؟ تا با بیان نقاط ضعف و قدرت چنین معنویتی، ارزیابی عادلانه درمورد معنابخشی به زندگی انسان‌ها صورت بپذیرد و معنویت کارآمدتر در معنابخشی زندگی انسان‌های امروزی معرفی شود.

## ۲. مفهوم‌شناسی و تعریف معنویت مدرن

دهخدا واژه «معنویت» را بدین صورت معنا کرده است: معنوی بودن؛ مصدر جعلی معنوی و معنوی یعنی بامعنا، منسوب به معنا، مربوط به معنا؛ مقابل لفظی، مادی، صوری، و ظاهری و

معادل راست، حقیقی، اصلی، ذاتی مطلق، باطنی، و روحانی و نیز معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل مدخل «معرفت»). در اصطلاح نیز تعریف مختار در این پژوهش «نحوه‌ای مواجهه با عالم پیرامون که در آن برخورد، فرد، به صورت کلی، با رضایت باطن زندگی کند... و دچار استرس، نومی‌دی، و اضطراب نشود»؛ یعنی جریانی است که نتایج آن کم‌کردن درد و رنج انسان‌ها در دنیاست. بزرگ‌ترین هدف انسان در دنیا این است که به رضایت باطنی برسد؛ این رضایت سه مؤلفه اصلی دارد: ۱. آرامش؛ ۲. شادی؛ ۳. امید (ملکیان ۱۳۸۱: ۳۱۹). معنویت مدرن بر مبانی‌ای متکی است که به خاطر گسترده‌بودن و عدم امکان گنجاندن همه آن‌ها در پژوهش حاضر و از طرفی تکراری بودن آن‌ها در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌گرفته، از تکرار آن‌ها خودداری می‌کنیم و صرفاً جهت یادآوری به صورت خلاصه به این مبانی اشاره خواهیم کرد. در یک بررسی و جمع‌بندی می‌توان مبانی، اصول، و ویژگی‌های معنویت دوران مدرن را این‌طور نام برد: ۱. سکولاریسم (دنیاگرایی و کنارگذاشتن دین از عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و ...); ۲. اومانیزم (انسان‌گرایی); ۳. راسیونالیسم (عقل‌گرایی یا استدلال‌گرایی); ۴. لیبرالیسم (آزادی‌خواهی); ۵. ساینتیسم (عقل‌گرایی یا علم‌زدگی); ۶. پراگماتیسم (اصالت عمل); ۷. ماتریالیسم (مادی‌گرایی); ۸. پلورالیسم (کثرت‌گرایی); ۹. فردگرایی (individualism); ۱۰. برابرگرایی یا برابرطلبی (egalitarianism); ۱۱. سنت‌ستیزی (traditionalism); ۱۲. احساس‌گرایی (بیات ۱۳۸۹: ۵۳۸).

### ۳. ویژگی‌های معنویت مدرن

معنویت مدرن دارای ویژگی‌هایی است که با تأکید بر آرای سروش و ملکیان، به‌عنوان طرف‌داران معنویت مدرن، آن‌ها را به صورت اجمالی بررسی خواهیم کرد.

#### ۱.۳ عقل‌گرایی

عقل‌گرایی (rationalism) یعنی نظام‌های فکری و فلسفی که عقل در آن‌ها جایگاه ویژه و اساسی دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه معنویت مدرن، طبق اظهارات طراحان آن، عقلانیت یا عقل‌گرایی است (ملکیان ۱۳۸۵: ۴۷). انسان معنوی معتقد است که آموزه‌های دینی ادیان به‌خاطر این که نمی‌توان به نفع یا ضرر آن‌ها دلیل عقلانی آورد، ظرفیت اثبات یا رد عقلانی ندارد (ملکیان ۱۳۸۹: ۱۳۹). عقلانیت معنویت مدرن با این محتوا به این نقطه

می‌رسد که تدین در هر زمانی متضمن محتوای خاصی است که طبق شرایط آن زمان به وجود آمده است، لذا دین‌داری در هر زمانی با زمان دیگر فرق دارد (سروش ۱۳۷۷: ۳۰۹). بنابراین، انسان مدرن و جدید با توجه به شرایط زمان خودش به دنبال روش‌های جدید تدین است.

### ۲.۳ ابن‌الوقت بودن

ابن‌الوقت بودن فرزند این‌جا و اکنون بودن است که معنای سلبی دارد؛ یعنی در بند گذشته و آینده نبودن و این‌که باید در بند این بود که اکنون در همین زمان و همین مکان چه باید کرد؟ انسان معنوی با توجه به این خصوصیت، برای قبول هر نوع نسخه کاربردی و علمی، در جهت زندگی و حیات خوب‌تر از راه‌های سنجش این‌دنیایی استفاده می‌کند (ملکیان ۱۳۸۱: ۲۷۶). شخص معنوی مدرن حیات بعد از مرگ و نیز عدم توجه به وعده‌و وعیدها و ... بعد از مرگ را انکار نمی‌کند، اما تنها دغدغه‌اش در امور مختلف سودبردن دنیوی است و معتقد است که میدان و مکان و زمان سنجش درستی یا نادرستی راه‌کارهای مذهبی و دینی در دنیاست و اهمیتی به سنجش اخروی نمی‌دهد (وست ۱۳۸۳: ۱۰۱). به‌طور کلی، انسان معنوی با این ایده می‌خواهد حتی خدا و آخرت را به محک آزمون در این دنیا بیاورد. او می‌خواهد بهشت اخروی را در دنیا بسازد، تاجایی که هدف و آرمان دین را فقط عشق به زندگی می‌داند (مجتهد شبستری ۱۳۷۹: ۱۷۴).

### ۳.۳ ایمان‌گرایی

در معنویت مدرن، واقعیت دارای ثبات و قرار نیست، بلکه همیشه در حال تبدیل و تحول است. از طرف دیگر، عنصر ایمان در معنویت وجود دارد، اما به معنای طلب واقعیت بی‌قرار است. شخص معنوی همیشه به دنبال حقیقت است، ولی خود را صاحب حقیقت نمی‌داند، زیرا معتقد است که حقیقت و واقعیت همیشه در حال سیلان و تغییر است (ملکیان ۱۳۸۹: ۱۴۲). به‌طور کلی، از منظر انسان معنوی، کامل دانستن آموزه‌های دینی به‌ر صورت ایمانی سطحی است که دارای وثاقت لازم نیست؛ باید ایمانی را سراغ گرفت که خرقة یقین را کنار گذاشته، همواره با سیلان و شک همراه باشد، زیرا گزاره‌های دینی و مذهبی قابل اثبات عقلانی نبوده و صرفاً یک الگو اعتقادات قابل اثبات هستند که آن هم اعتقادات ریاضی — منطقی است و این قابل توجه است که شخص معنوی در همه آن‌ها شک کند، ولی متدین نیز باشد (سروش ۱۳۷۹: ۵۴).

### ۴.۳ طرد متافیزیک ادیان

از اوایل قرن هجدهم، تعداد زیادی از پژوهش‌گران علوم انسانی، به‌صورت مستمر، از مردم می‌خواهند که امور کودکانه‌ای مانند وجود خدا، حجیت معرفت‌شناسی تجارب عرفانی، و وجود نظام اخلاقی نیکو در عالم را کنار بگذارند (ملکیان ۱۳۸۵: ۳۱)؛ زیرا دین سستی غالب مردم به‌صورت اعتقادات بوده و اعتقادات نیز اغلب مبتنی بر مجهولات است و در این دوران که آگاهی انسان‌ها از زندگی و دنیا بیش‌تر شده است، این اعتقادات که در واقع مجهولات هستند بیش‌تر در هم شکسته است (مجتهد شبستری ۱۳۷۹: ۹۰). به‌طور کلی، معنویت مدرن معتقد است که ذائقه انسان مدرن با متافیزیک ادیان که بسیار پرحجم و متصلب و برای انسان امروزه کودکانه و نامعقول است سازگار نیست (ملکیان ۱۳۸۱: ۲۸۱).

### ۵.۳ تأکید بر امور عام‌البلوی و عدم قطعیت تاریخ

معنویت مدرن باتوجه‌به مبانی خود (مبانی و مؤلفه‌های دوران مدرن) ویژگی‌های محلی (local) ادیان سستی را کنار گذاشته و بر مسائل عام‌البلوی، همگانی (universal)، و همه‌جایی تأکید فراوان می‌کند؛ زیرا معتقد است هر دین سستی در یک زمان خاص آمده است و هماهنگ با اوضاع و احوال عرفی و فرهنگی آن زمان و مکان، تعالیم و احکام بیان و عمل شده است؛ لذا این ویژگی‌های بومی و محلی ادیان برای انسان مدرن نه مناسب و نه پذیرفتنی است، در نتیجه باید کنار گذاشته شود (همان: ۲۸۶). آنان درصدد هستند پیام دین را بیابند و قالب و شکل دین را رها کنند (مجتهد شبستری ۱۳۷۹: ۲۳۹). هم‌چنین، معنویت مدرن تلاش می‌کند تا وابستگی خود را به وقایع تاریخی به کم‌ترین حد برساند، زیرا انسان مدرن دریاب تاریخ معتقد است که سخن قطعی وجود ندارد (ملکیان ۱۳۸۱: ۲۷۶).

### ۶.۳ قداست‌زدایی از اشخاص و طرد تعبد

معنویان مدرن معتقدند که تمام انسان‌ها باید به‌طور یک‌سان در نظر گرفته شوند و اگر نظریه یا طرحی دارند، میزان اعتبار آن به‌اندازه و ارزش دلایلی است که برای اثبات صحبت خود می‌آورند (همان: ۲۷۵). به‌طور کلی، در معنویت مدرن، اعمال و رفتار معنوی به‌شکل درون‌محور است، نه مانند ادیان که پیروان آن‌ها متعبد به فرامین پیامبر، راه‌نما، امام، و ... هستند، بلکه بدون حضور حجت و منبع بیرونی، براساس دلیل عقل و استدلال، حرفی را

پذیرایند (Manony: 14). لذا نظر و حکم هیچ فردی برای دیگری و جوب و الزامی ندارد، مگر این که آن شخصی که حکم دینی بیان می‌کند براساس و مطابق دلیل عقلی یا قانون عمومی، یا ... صادر کرده باشد (ملکیان و دیگران ۱۳۸۱: ۲۸۴).

#### ۴. معنای زندگی در معنویت مدرن

##### ۱.۴ معنانشناسی مفهوم «معنای زندگی»

در میان فیلسوفان، نظریه‌پردازان، و حتی در عرف، «معنای زندگی» بیش تر به معنای «هدف»، «ارزش»، و «کارکرد» زندگی است و دیگر نظریه‌ها بدون واسطه یا با واسطه به یکی از این سه معنا بازگشت دارند.

##### ۱.۱.۴ هدف زندگی

بخش عظیمی از نظریه‌های «معنای زندگی» براساس معنای هدف زندگی از معنای زندگی بیان شده است. پل ادواردز معتقد است که باید بین هدف برای زندگی هر فرد انسانی و هدف در زندگی وی فرق گذاشت (Edwards 1967:472). می‌توان برای کل زندگی کسانی که معتقد به وجود خداوند هستند هدف یا اهدافی مشخص کرد، ولی دیگران فقط می‌توانند از هدف در زندگی سخن گویند. شایان ذکر است که به محض هدف‌مند بودن زندگی نمی‌شود آن را معنادار دانست، بلکه باید هدف یا اهدافی باشند که دارای ارزش مثبت باشند. نظریه‌پردازان معنای زندگی مبتنی بر هدف هر شخص سعی می‌کنند تا بیان کنند که چه اهدافی دارای ارزش مثبت هستند تا به زندگی آن‌ها معنا دهد. در مقابل، نظریه‌پردازان معنای زندگی مبتنی بر هدف یا اهداف خداوند متعال بر این باورند که چون خداوند خیر محض است، اهداف او نیز دارای ارزش مثبت‌اند. در نتیجه، الاهی‌دانان ادیان ابراهیمی سعی می‌کنند با توسل به طرح هدف‌مندی آفرینش درباره معنای زندگی نظریه‌پردازی کنند و معتقد هستند که هر فرد انسانی با کمک به تحقق اهداف خداوند تعالی در این جهان می‌تواند به زندگی خویش معنا دهد. در مقابل، کسانی که معتقد به طبیعت‌گرایی هستند مثل آیر (Ayer 2000: 219-232)، نیلسن (Nielsen. 2000: 240-293)، و هپبورن (Hepburn 2000: 292-293) بر این باورند که تنها از نظریه مبتنی بر هدف هر شخص انسانی می‌توان دفاع کرد.



#### ۲.۱.۴ ارزش زندگی

یکی از معانی اساسی «معنای زندگی» «ارزش» است (ملکیان ۱۳۸۲: ۶۴-۷۵). در سال‌های اخیر، فیلسوفان بیش‌تر از این نظریه دفاع کردند، زیرا معتقد هستند که ارزش‌های موجود در زندگی هر شخص انسانی با دیگران فرق دارد و در یک حد نیست. لذا با تمیز ارزش‌های متناسب با یک زندگی اخلاقی و توأم با خوش‌بختی و معنادار، قائل به رده‌بندی هستند. متر در مقاله خودش به‌نام «مفهوم زندگی معنادار» (Metz 2002: 781-819) بر این باور است که «معنای زندگی» یا «زندگی معنادار» در آثار و نوشته‌های فیلسوفان به سه معنای «هدف»، «احساس احترام و افتخار عظیم»، و «فرارفتن از حد و مرزهای زندگی» به‌کار رفته است.

#### ۳.۱.۴ کارکرد زندگی

«کارکرد زندگی» یکی دیگر از انواع معانی «معنای زندگی» است. شایان ذکر است که فیلسوفان خیلی به این معنا پرداخته‌اند و شاید دلیل این امر این باشد که آنان معنای «کارکرد» را ذیل معنای «هدف» قرار داده و لازم ندانسته‌اند که به‌صورت مستقل مطرح شود؛ زیرا نظریه‌های کارکرد زندگی تفسیرهای گوناگونی از نقش و تأثیر هر فرد انسانی در تحقق هدف یا اهدافی است که نظریه‌های هدف زندگی آن‌ها را مشخص کرده‌اند.

معنای زندگی در معنویت مدرن از لابه‌لای مباحث «پروژه عقلانیت و معنویت» قابل استخراج است؛ یعنی چنان‌چه گمان حیات طیبه (زندگی پاک) دارای مصداقی باشد، مصداقش حیاتی است که در آن میان «عقلانیت» و «معنویت» جمع و تلفیق شده است (ملکیان ۱۳۸۱: ۲۲۹). اولین بحث در معنای زندگی مدرن بیان این نکته است که آیا منظور از معنای زندگی هدف زندگی است؟ یا ارزش زندگی؟ یا کارکرد زندگی؟ و یا می‌تواند به‌معنای همه این‌ها از جهات گوناگون باشد. در این رابطه، باید گفت اگر مقصود از معنای زندگی هدف زندگی باشد، گاه این هدف به موجودی که دارای علم و اراده است نسبت داده می‌شود و گاهی به موجودی که فاقد علم و اراده است. اگر قسم اول باشد، هدف خودبنیاد نامیده می‌شود و اگر قسم دوم باشد، هدف خارجی. اگر مراد از هدف زندگی هدف خودبنیاد باشد نمی‌توان این هدف را به خود حیات و زندگی نسبت داد، زیرا زندگی دارای علم و اراده نیست و اگر بگوییم حیات و زندگی هدف خارجی دارد، به‌معنای این است که موجودی یا شیئی که خارج از عالم و هستی است با ساخت و حیات زندگی

دارای هدفی خودبنیاد است؛ اما این قسم اخیر با مبانی و ویژگی‌های معنویت مدرن سازگاری ندارد، زیرا انسان معنوی انسانی سکولار، این جایی، و اکنونی است. او با مباحث متافیزیک رابطه خوبی ندارد، لذا مورد نظر و اهمیت آن نیست (همان: ۲۷). تنها تصویری که از هدف زندگی برای انسان مدرن باقی می‌ماند هدف خودبنیاد انسانی است، هدف خودبنیاد من به‌عنوان زیست‌کننده، نه هدف خودبنیاد کسی که این زیست را در اختیار من نهاده و به من عطا کرده است (ملکیان ۱۳۸۹: ۲۲۱). یعنی انسان معنوی با اراده و علم به زندگی خود معنا می‌دهد. معنویان مدرن به‌واسطه تبعیت از افکار اشخاصی مانند ویکتور فرانکل هدف خودبنیاد انسانی را به سه قسم تقسیم می‌کنند؛ گروه اول کسانی که زندگی خود را یک پروژه می‌دانند و با الزام خود به خلق کردن فلان اثر یا پدیده به حیات خود معنی می‌بخشند؛ گروه دوم، برخلاف گروه اول که جنبه فعالانه دارند، رویه منفعلانه دارند و به زندگی خود با پیدا کردن تجارب خاص معنا می‌بخشند؛ و گروه سوم اشخاصی که با روبه‌رو شدن و برخورد با درد و رنج‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی، به حیات خود معنا و مفهوم می‌بخشند (ملکیان ۱۳۸۱: ۲۲). در فلسفه و الاهیات، مسائل بنیادین و مهم عبارت‌اند از این‌که مثلاً: حقیقت دنیا چیست؟ آیا جهان هستی هدف‌دار است یا نه؟ آیا زندگی معنا دارد یا نه؟ آیا خدا وجود دارد یا نه؟ و غیره. اما انسان معنوی این مسائل برایش مهم نیست، بلکه مسئله مهم و اصل او «چه باید بکنم؟» یا «چه بکنم؟» است (ملکیان و دیگران ۱۳۸۱: ۲۱۳). یکی از اهداف زندگی خودبنیاد انسان معنوی زندگی اصیل است. درمقابل زندگی اصیل زندگی عاریتی قرار می‌گیرد. شاخصه‌های مهم حیات عاریتی عبارت‌اند از: تقلید می‌کنیم، تعبد می‌ورزیم، بی‌دلیل سخن می‌گوییم، صحبت‌های دیگران را بی‌دلیل می‌پذیریم، با دیگران بر سر هیچ هیاهو می‌کنیم، با همه وفا داریم مگر با خودمان، با همه صداقت داریم مگر با خودمان، با همه یک‌رنگ هستیم جز با خودمان. هم‌چنین، مؤلفه‌های مهم زندگی اصیل عبارت‌اند از: حیاتی که در آن انسان فقط با خودش وفادار است؛ یعنی «در التزام خود حرکت کردن» و «در معیت خود زیستن». وفاداری به خود یعنی تنها بر مبنای درک و فهم خود اقدام کردن و آن را مبنای تصمیم‌گیری‌های عملی قرار دادن. معنویان معتقدند انسان نباید درک، شعور، و فهم خود را تعطیل کند و مصداق‌های تعطیلی فهم عبارت‌اند از: پیروی آداب و سنن نیازموده، پیروی از اذهان عمومی، همراه شدن با جماعت، تعبد، و ... کسانی زندگی اصیل دارند که از باورهای آزموده و درک‌کرده پیروی می‌کنند، تقلید و تعبد ندارند، و به دنبال کسب محبوبیت در میان مردم به هر قیمتی نیستند. می‌توان گفت فرق بین

زندگی اصیل با زندگی غیراصیل (عاریتی) در فرایند تحصیل عقاید است، نه در نفس عقاید. طراحان معنوی مدرن برای تأیید نظریه زندگی اصیل به مواردی از قرآن کریم نیز متمسک شده‌اند (ملیکان ۱۳۸۱: ۲۴۶).

معنویان مدرن برای انسان معاصر، علاوه بر هدف خودبنیاد زندگی اصیل، اهدافی دیگر نیز بیان می‌کنند، مانند رضایت باطنی که دارای سه پایه آرامش، امید، و شادی است (همان: ۳۱۷) و نیز کاهش درد و رنج انسانی:

من فقط دل‌نگران انسان هستم... من نه دل‌نگران سنت‌ام، نه دل‌نگران تجدد، نه دل‌نگران تمدن، نه دل‌نگران فرهنگ ... من فقط دل‌نگران انسان‌های گوشت و خون‌داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند، و می‌روند (ملیکان ۱۳۸۹: ۱۱۹).

و نیز زندگی آرمانی که دارای سه ویژگی خوش‌بودن، خوب‌بودن، ارزش‌مندبودن است (صادقی ۱۳۸۹: ۵). باتوجه به مطالب گفته‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که هدف در معنای زندگی مدرن عبارت است از ایجاد زندگی اصیل و آرمانی و نیز کاهش درد و رنج آدمی. این اهداف توسط هر انسان باید پی‌گیری شود تا با رسیدن به این اهداف به حیات و زندگی خود معنا دهد. حال، بعد از بیان هدف از زندگی در معنویت مدرن، آیا امکان بیان ارزش از زندگی در معنای زندگی مدرن وجود دارد یا خیر؟ همان‌طور که قبلاً بیان شد، ارزش زندگی یعنی این که هر فرد انسانی همواره در زندگی خویش می‌کوشد تا در پرتو ارتباط با امور ارزش‌مند به زندگی خویش معنا می‌دهد. انسان معنوی هر قدر به «تدین متعقلانه» یا «فهم عقلانی از دین» نزدیک‌تر شود، دارای زندگی ارزش‌مندتری خواهد بود. معنای کارکرد زندگی را نمی‌توان برای معنویت مدرن قائل شد، زیرا پرسش از کارکرد یک چیز به معنای سؤال از نقش، جایگاه، و فایده‌ای است که آن چیز در تحقق هدف و برنامه یک مجموعه بزرگ‌تر از خویش برعهده دارد. لذا در مرتبه اول باید یک چیز را با کل یا کل‌های بزرگ‌تر از خود آن سنجید تا بتوان از کارکرد آن پرسید. در نتیجه، باتوجه به مبانی و ویژگی‌های معنویت مدرن، معنای کارکرد زندگی در معنای زندگی معنویت مدرن بی‌معناست. بحث از «معنای زندگی» با دو ره‌یافت متفاوت، یعنی توصیفی و هنجاری، قابل طرح است که باتوجه به آثار طراحان معنویت مدرن، عمدتاً حاکی از ره‌یافت هنجاری است، بدین صورت که معنویت مدرن به دنبال بیان شرایط لازم و کافی برای یک زندگی معنادار است. معنویت مدرن با ویژگی‌های خود و نیز ایجاد زندگی آرمانی و اصیل به انسان‌های امروزه توصیه می‌کند که چه‌طور فکر و عمل کنند و این به معنای بیان هنجار و

دستورالعمل است. معنویت مدرن بیش‌تر میل به «جعل معنا» و نه «کشف معنا» دارد، زیرا انسان‌ها را دعوت به خودفرمان‌روایی و تعقل می‌کند. این مطلب را حتی از عنوان یکی از مقالات طراحان معنویت مدرن به نام «هرکس خود باید به زندگی خویش معنا ببخشد» می‌توان برداشت نمود. معنویت مدرن معنای زندگی را بیش‌تر مربوط به فلسفه اخلاق می‌داند تا فلسفه دین و روان‌شناسی. «اعتقاد من بر این است که پرداختن به مسئله معنای زندگی در فلسفه اخلاق حتی مناسب‌تر از فلسفه دین است، چون اساساً اخلاق و علم معنای زندگی است.» (ملکیان ۱۳۷۹: ۲۲). معنویت مدرن در معنای زندگی فرآورده برایش مهم است نه فرایند، نتیجه برایش مهم است نه وظیفه. از میان سه رویکرد عمده طبیعت‌گرا، فراطبیعت‌گرا، و ناطبیعت‌گرا در معنای زندگی، می‌توان معنویت مدرن را بیش‌تر رویکردی ناطبیعت‌گرا قلمداد کرد، زیرا در این رویکرد برای کسب معنای زندگی نه نیازی به قابلیت‌ها و امکانات این جهان مادی است و نه حاجتی به عالمی ماورای عالم مادی، بلکه به کمک یک سلسله اصول یا پیش‌فرض‌های صرفاً عقلی، مانند اصول اولیه اخلاق، می‌توان به یک زندگی معنادار دست یافت. نظریه معناداری وجودی (existential meaningfulness) رابرت اودی که یکی از نظریه‌های رویکرد ناطبیعت‌گراست بر این باور است که هرگونه نیکی و خوبی (goodness) در حیات انسان‌ها، خواه از مقوله فکر و اندیشه و خواه کردار و رفتار، دارای ارزشی اصیل (intrinsic) است و ارزش‌های اصیل هم دارای سرشتی غیرطبیعی و غیرمادی است و قابلیت دارد که حیات و زندگی را معنادار کند. لذا یک زندگی هم‌راه با ارزش‌های نیک و خوب زندگی‌ای معنادار است. کمک به خوش‌بختی دیگران، خلاقیت، و توجه به دیگران، خصوصاً در روابط عاطفی، از مؤلفه‌های اصلی این نظریه ناطبیعت‌گراست. در این نظریه، هر عملی که بتواند برای زندگی خود فرد یا دیگران ثمربخش و مفید باشد، ارزش‌مند است و زندگی هر فرد انسانی را معنادار می‌کند. معنویت مدرن نیز با تأکید و اتکا بر موضوعاتی مانند زندگی اصیل، عقلانیت، نیکی به خود و دیگران، کاهش درد و رنج خود و دیگران، رضایت باطن و غیره نه حاجتی به عالمی ماورای عالم مادی دارد و نه به این جهان مادی، بلکه به وسیله این سلسله اصول اشاره شده به زندگی خود معنا می‌دهد. در معنویت مدرن، خوب‌بودن، خوش‌بودن، و ارزش‌مندبودن از مبانی زندگی آرمانی است و نه دارای سرشتی مادی و طبیعی است و نه به امور ماورای طبیعت ارتباط دارد. در معنویت مدرن، یک سلسله اصول عقلی و اخلاقی مورد تأیید است که آن‌ها نظریه معنویت مدرن را به طرف رویکرد ناطبیعت‌گرایی سوق می‌دهند.

## ۵. نقاط قوت معنویت مدرن در معنابخشی زندگی

در این قسمت سعی می‌شود با توجه به آنچه تاکنون ذکر گردید، نقاط قوت معنویت مدرن در معنای زندگی بررسی شود.

### ۱.۵ معنادار بودن زندگی

در یک نگاه کلی، بی‌معنایی و معناداری زندگی، دو رویکرد کاملاً متفاوت میان پژوهش‌گران معاصر در موضوع معنای زندگی است (بیات ۱۳۹۰: ۱۹). یک دسته نظریه‌هایی هستند که معنای زندگی در این جهان را دست‌یافتنی می‌دانند و دسته دیگر نظریه‌هایی که معنای زندگی را دست‌نیافتنی می‌دانند و در پی ارائه راه‌کارهایی برای مواجهه با آن هستند. معنویت مدرن جزء نظریه‌هایی است که قائل به معنادار بودن زندگی‌اند.

### ۲.۵ هدف‌دار بودن زندگی

معنای «هدف» یکی از معانی‌ای است که برای «معنای زندگی» می‌توان قائل شد. از این‌رو، اگر معنای زندگی را به معنای هدف زندگی بگیریم، پرسش اساسی این خواهد بود که «هر فرد چه هدف یا اهدافی می‌تواند یا باید در زندگی داشته باشد تا به مدد آن بتواند به زندگی خویش معنا دهد؟ در واقع، در ظل نوع پاسخی که به این پرسش می‌دهیم، نظریه معنای زندگی شکل می‌گیرد. همان‌طور که قبلاً بیان شد، معنویت مدرن در زندگی دارای هدف یا اهدافی است. همان‌طور که در معنویت دینی ادیان توحیدی، با تمسک به آموزه هدف‌مندی آفرینش، اگرچه هر فرد انسانی نقشی در تعیین هدف یا اهداف خداوند برای جهان آفرینش ندارد، ولی می‌تواند با کمک به تحقق اهداف خداوند در این جهان به زندگی خویش معنا دهد (رحمانی اصل ۱۳۸۹: ۱۵۲)، در معنویت مدرن نیز اهدافی مانند زندگی اصیل، زندگی آرمانی، زندگی خودبنیاد، و ... به عنوان «معنای زندگی» اتخاذ شده است.

### ۳.۵ ارزش مند بودن زندگی

ارزش، اعتبار، و اهمیت یکی از معانی مهم «معنا» در ترکیب اضافی «معنای زندگی» است. اشخاص و اشیای مقدس، طبیعت، آثار هنری مکتوب و غیرمکتوب، سنت‌ها، فرهنگ‌ها، انسان‌های دیگر، نهادها، نظریه‌های علمی، و حتی وسایل فنی در زمره امور ارزش‌مندی

هستند که هر فرد انسانی با ارتباط با آن‌ها می‌تواند به زندگی خویش ارزش بخشد. طبق نظر طراحان معنویت مدرن، اموری مانند تدین متعلقانه (ملکیان ۱۳۷۹: ۲۹)، «چه باید بکنیم؟»، وفاداربودن به خود، و ... به زندگی انسان معاصر ارزش می‌دهد. در معنویت دینی نیز موارد متعددی یافت می‌شود که به زندگی مؤمن ارزش می‌دهد، مانند تقرب به خدای تعالی، نزدیکی به اولیای خدا، خدمت به خلق خدا، و ...؛ لذا در هر دو نوع معنویت، معنای زندگی می‌تواند به معنای ارزش زندگی باشد.

#### ۴.۵. هنجاری بودن معنای زندگی

در تقریر هنجاری از پرسش از معنای زندگی از شرایط لازم و کافی برای یک زندگی معنادار سؤال می‌شود و لذا، نظریه‌های هنجاری در معنای زندگی نیز در مقام ارائه شرایط لازم و کافی برای زندگی معنادارند و توفیق آن‌ها نیز بسته به توان دفاع آن‌ها از شرایطی است که برای یک زندگی معنادار عرضه می‌کنند. در معنویت مدرن برای ایجاد معنویت و معنای زندگی بر شرایطی مانند تجمیع عقلانیت و معنویت، خوش‌بودن زندگی، خوب‌بودن زندگی، ارزش‌مندبودن زندگی، رضایت باطنی، و ... تأکید می‌شود.

#### ۶. نقاط ضعف معنویت مدرن در منابع‌خشی زندگی

در این بخش تلاش می‌شود تا طبق معنای زندگی، نقاط ضعف معنویت مدرن در معنای زندگی مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱.۶. نوع هدف زندگی

برخی میان هدف در زندگی و هدف برای زندگی هر فرد انسانی تفکیک و تمایز قائل شده‌اند (Edward 1967: 472)، زیرا اگر مانند خداوند بتوان بر کل زندگی نوع انسان یا هر فرد انسانی اشراف داشت، می‌توان برای کل زندگی آنان هدف یا اهدافی را تعیین کرد، وگرنه تنها می‌توان از هدف در زندگی صحبت کرد. برخلاف معنویت دینی که خداوند است که برای تمام زندگی انسان‌ها هدف‌گذاری می‌کند و بنابراین می‌توان گفت که در این نوع معنویت هدف برای زندگی است، در معنویت مدرن که هرکس باید خود به زندگی‌اش معنا دهد هدف در زندگی معنا خواهد داشت.

## ۲.۶ نوع ارزش زندگی

معنای زندگی به معنای ارزش زندگی دارای مصادیق متعددی است که یکی از آنها «ارزش مبنایی» است (بیات ۱۳۹۰: ۵۸). ارزش مبنایی یکی از معانی خاص «ارزش» است. ارزشی که هر فرد با تکیه بر آن بتواند درباره خوبی یا بدی امور دیگر زندگی خویش تصمیم بگیرد ارزش مبنایی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که زندگی بدون آن فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. طبق این معنا از «ارزش»، پرسش از معنای زندگی بدین معناست که آیا در این جهان چنین ارزشی وجود دارد تا به زندگی انسان‌ها معنا دهد و اگر وجود دارد چیست؟ معنای دیگر «ارزش» نوعی کیفیت در زندگی است که اگر در زندگی هر فرد انسانی تحقق یابد، به زندگی وی ارزش می‌بخشد. روشن است که این معنا از ارزش ناظر به نتیجه عمل است، زیرا کیفیت نتیجه یک عمل است. بر مبنای این معنا از «ارزش»، پرسش از معنای زندگی بدین معناست که چه کیفیتی در زندگی می‌تواند زندگی هر فرد انسانی را معنادار کند؟ بعد از توضیح مختصر هر دو نوع ارزش، «ارزش مبنایی و نوعی کیفیت در زندگی»، می‌توان گفت در معنویت مدرن، که بر عقلانیت و ویژگی‌های آن تأکید بسیار می‌شود، اگر محقق شود به زندگی شخص معنوی مدرن ارزش می‌بخشد؛ لذا ارزش در معنویت مدرن به معنای «نوعی کیفیت در زندگی» است و آن کیفیت تدبیر متعقلانه است. نکته دیگر آن‌که در یک تقسیم‌بندی کلی، ارزش‌ها به شخصی و همگانی تقسیم می‌شود و ارزش‌های همگانی نیز به ارزش‌های ذاتی و ابزاری تقسیم می‌شود. اگر ارزش یا ارزش‌هایی تنها برای فرد خاص ارزش و اهمیت داشته باشد، درحقیقت آن ارزش یا ارزش‌ها دارای ارزش شخصی است؛ اما اگر ارزش یا ارزش‌هایی مانند تقرب به خداوند در بین مسلمانان یا رهایی از چرخه سمسره و رسیدن به مقام نیروان در نزد بوداییان نه تنها برای یک فرد خاص، بلکه نزد بسیاری از انسان‌ها ارزش داشته باشد، به گونه‌ای که بتوان آن را به دیگران هم توصیه کرد، از ارزش همگانی برخوردار است. در میان ارزش‌های همگانی نیز برخی ارزش‌ها، مانند آرامش درونی، اصیل و ذاتی است و برخی دیگر از ارزش‌های همگانی وسیله و ابزاری برای رسیدن به ارزش بالاتر است، مانند اعمالی که مؤمن برای رسیدن به تقرب به خدا انجام می‌دهد. در معنویت مدرن با توجه به این که هرکس خودش باید به زندگی خویش معنا دهد، ارزش‌ها به صورت شخصی است.

### ۳.۶ نوع کارکرد

پرسش از کارکرد یک چیز به معنای پرسش از نقش و فایده‌ای است که آن چیز در تحقق هدف و برنامه یک مجموعه بزرگ‌تر از خویش برعهده دارد. لذا ابتدا باید یک چیز را با کل یا کل‌های بزرگ‌تر از خود آن سنجید تا بتوان از کارکرد و حتی کارکردهای آن پرسید و مجموعه بزرگ‌تر را دارای هدف یا اهدافی دانست تا بتوان از کارکرد زیرمجموعه آن پرسید (ملکیان ۱۳۸۲: ۱۹). در نتیجه، امکان ندارد از کارکرد چیزی پرسید که زیرمجموعه چیز بزرگ‌تری قرار نگرفته یا در مجموعه‌ای قرار گرفته است که فاقد هدف یا اهداف است یا نقشی برای زیرمجموعه آن تعریف نشده است. در معنویت دینی، قائل شدن به کارکرد معنای زندگی قابل قبول است، زیرا انسان در این نظام زیرمجموعه عالم هستی یا خداوند قرار می‌گیرد، اما در معنویت مدرن بحث پروردگار و ماورای طبیعت مورد نظر نیست و انسان می‌ماند و عالم هستی. از طرف دیگر، معنویان قائل به هدف یا اهدافی برای عالم هستی نیستند، لذا انسان در معنویت مدرن دارای کارکرد به معنای اصطلاحی نیست. مضاف بر این که در معنویت مدرن، با توجه به معنای اومانیزیسمی، همه چیز برای انسان است و انسان برای خودش؛ لذا معنا ندارد که انسان برای اهداف شیء دیگر کارکردی داشته باشد. بنابراین، در معنویت مدرن، مجموعه‌ای بزرگ‌تر از انسان نمی‌توان یافت و اگر هم وجود داشته باشد، که دارد، آن‌ها دارای علم و اراده و هدف نیستند و اگر دارای هدف باشند، انسان معاصر به دنبال تحقق اهداف آن‌ها نیست.

### ۴.۶ جعلی بودن معنای زندگی

درواقع، جعل و کشف معنای زندگی دو نوع نگاه کاملاً متفاوت به معنای زندگی است. در نظریه جعل، هر فرد انسانی معنای زندگی را برای خویشتن می‌آفریند، ولی در نظریه کشف، وی پرده از معنا یا معنای زندگی در عالم واقع برمی‌دارد و به طرق گوناگون آن را کشف می‌کند. در معنویت مدرن، معنای زندگی جعل کردنی است، زیرا اگر معنای زندگی را به معنای هدف هر فرد انسانی در زندگی خویش بگیریم، درواقع وی با تعیین هدف یا اهدافی در زندگی خویش آن‌ها را جعل می‌کند و در معنویت مدرن، همان‌طور که گفتیم، هرکسی خودش باید به زندگی اش معنا دهد، زیرا در این نوع معنویت، هدف را به معنای هدف یا اهداف خداوند برای زندگی هر فرد انسانی در نظر نمی‌گیرند، زیرا خداوند هدف یا اهدافی را برای هر فرد انسانی جعل نکرده است.



## ۵.۶ نوع رویکرد

هر نظریه معنای زندگی نوعی پاسخ به پرسش از معنای زندگی است و ارائه هرگونه نظریه درباره معنای زندگی بر نوعی رویکرد استوار است که یک نظریه پرداز در معنای زندگی از آن دفاع می کند. سه رویکرد طبیعت گرا، ناطبیعت گرا، و فراطبیعت گرا از رویکردهای اساسی است که هر نظریه پرداز با تکیه بر آنها نظریه خویش را سامان می دهد و می کوشد تا به پرسش از معنای زندگی پاسخ دهد (بیات ۱۳۹۰: ۸۱). معنویت مدرن رویکردی ناطبیعت گرا دارد، زیرا در این رویکرد برای کسب معنای زندگی نه نیازی به قابلیت ها و امکانات این جهان مادی است و نه حاجتی به عالم ماورای عالم ماده است، بلکه به کمک یک سلسله اصول یا پیش فرض های صرفاً عقلی، مانند اصول اولیه اخلاق، می توان به یک زندگی معنادار دست یافت. هم چنین، در معنویت مدرن برای رسیدن به معنای زندگی نه نیازی به عالم ماورا بیان شده است و نه نیازی به امکانات این جهان مادی، بلکه با یک سری پیش فرض های عقلی و اخلاقی مانند زندگی اصیل، زندگی آرمانی، عقلانیت، و ... می توان معنای زندگی را کسب کرد.

## ۶.۶ عدم جامعیت

معنای زندگی شامل حوزه فردی و اجتماعی می شود، بدین بیان که انسان موجودی اجتماعی است و شاید قسمت بیش تر زمان زندگی خود را در اجتماع و جامعه سپری می کند. در معنویت مدرن شاید بتوان گفت هیچ نوع برنامه ای برای اجتماع و کار جمعی در نظر گرفته نشده است. معنویت مدرن حداکثر شاید معنای زندگی حداقلی را برای فرد مشخص کند، اما در خصوص بُعد اجتماعی انسان سخنی به میان نیاورده است. به گفته طراحان معنویت مدرن، دغدغه ایشان فرد است نه جامعه. جامعه یک موجود خیالی بیش نیست و اگر هم قرار بر اصلاح، هدایت، و برنامه ریزی باشد، باید از طریق تک تک افراد جامعه صورت بپذیرد. حال سؤال این است که آیا واقعاً این چنین است؟ آیا واقعاً جامعه هیچ هویتی جدای از افرادش ندارد؟ این صحبت بسیار تردیدآمیز است. در ترکیب جمعی چیزی پدید می آید که حاصل جمع تک تک افراد نیست، مانند این که می توان به فشار گاز در محفظه بسته اشاره کرد. این فشار حاصل جمع فشار تک تک مولکول های گاز نیست، زیرا آن ها چنین فشاری ندارند. بر اثر تراکم آن ها حالتی پدید می آید که می تواند اشیای سنگین را جابه جا کند یا انفجاری بزرگ پدید آورد. انرژی حاصل از این کار به مراتب بیش تر از

حاصل جمع انرژی‌ای است که تک‌تک اجزای این جمع مولکولی می‌توانستند تولید کنند. لذا برای جمع و اجتماع هویت و آثاری مستقل فرض می‌شود و باید برنامه و احکام خاص آن را نیز ارائه کرد. یک نظریه جامع برای معنای زندگی نمی‌تواند درمورد ارائه برنامه‌هایی به‌منظور این وجه از زندگی بی‌تفاوت باشد. به بیان دیگر، یک نظریه درباره معنای زندگی باید تمام جوانب زندگی شخص را پوشش دهد و آن‌ها را معنادار و منسجم ارائه دهد، اما این مهم در معنویت مدرن نادیده گرفته شده است که نقص بزرگی برای این پروژه محسوب می‌شود.

## ۷.۶ عدم شمول

در معنویت مدرن گرایش‌های فطری و روحی یا نادیده گرفته شده و یا پاسخی مناسب به آن‌ها داده نشده است. برای نمونه، تمام انسان‌ها میل به جاودانگی دارند و این غیرقابل انکار است و این یعنی این‌که هر نظریه درباره معنای زندگی باید پاسخ‌گوی این گرایش شدید و همگانی انسان‌ها باشد. اما معالاف معنویت مدرن هیچ بیان و راه‌کاری برای برآوردن این میل و گرایش ندارد. از طرف دیگر، معنویت مدرن سعی در ایجاد یک زندگی هم‌راه با خوشی و کاهش درد و رنج انسان دارد، اما بدون بیان عاقبت و آخرت انسان. در نتیجه، به چه صورت معنویت مدرن می‌خواهد زندگی خوش پایدار برای انسان مدرن ارائه دهد؟ اساساً یکی از مهم‌ترین مصادیق درد و رنج انسان عدم جاودانگی اوست و معنویت مدرن هیچ‌گونه پاسخی برای این میل شدید انسان ندارد. نمونه دوم گرایش درونی انسان‌ها، حس پرستش، و مجذوب‌بودن زیبایی مطلق است. همان‌طور که تاریخ به ما نشان می‌دهد، انسان‌ها همیشه به عبادت و پرستش روی آورده‌اند و این نشان از نیاز فطری و گرایش ذاتی انسان است. اما معنویت مدرن نه تنها برنامه‌ای برای ارضای این نیاز شدید انسان ندارد، بلکه به شدت مخالف پرستش و تعبد نیز است. یکی دیگر از گرایش‌های همیشگی انسان میل رسیدن به حقیقت است که در معنویت دینی دارای سازوکار و مراتب خود است، اما در معنویت مدرن جای بسی تعجب است که از طرفی، حقیقت و واقعیت را نسبی و متغیر می‌داند و از طرف دیگر، قائل به نظریه تقرب به حقیقت است (ملکیان بی تا: ۱۴). انسان ذاتاً به دنبال رسیدن به حقایق اشیاست و در ظل این گرایش، معنای زندگی واقعی و نه خیالی و تخدیری برایش حاصل می‌شود، اما در نظریه معنویت مدرن این ارتباط انسان با حقیقت به کلی قطع شده است که مطمئناً باعث سرخوردگی و درد و رنج انسان می‌شود. حال سؤال

این است: نظریه‌ای که برای تمایلات قوی و همیشگی انسان برنامه‌ای ندارد به چه صورت می‌خواهد معنای زندگی کامل را برای انسان مدرن ارائه کند؟

### ۸.۶ عدم بیان بُعد محتوایی و معرفتی

طراحان معنویت مدرن در ارائه نظریه خود بیش‌تر رویکردی سلبی دارند (جعفری ۱۳۹۰: ۳۱۳)، نه ایجابی. به همین جهت، معنویت مدرن که از حقیقت تهی و صرفاً ابزاری برای آسایش دنیایی است به یک نوع خلأ معرفتی و محتوایی دچار است. شاید معنویت مدرن برای انسانی که هنوز در آستانه انتخاب راه زندگی و مشرب فکری خود است، روش عقلانی در فهم و گزینش و سلوک معنوی ارائه دهد، اما از این‌جا به بعد، دیگر این پروژه چیزی به ما نمی‌گوید. این اشکال شبیه اشکالی است که به مکتب اخلاقی کانت گرفته‌اند و آن این‌که این نظریه به‌لحاظ محتوایی چیزی به ما نمی‌گوید و تنها سخنش در شکل زندگی آرمانی است، درحالی‌که یک نظریه جامع برای معنای زندگی، علاوه‌بر ساختار، باید محتوای آن را نیز بیان کند. معنویت مدرن چنین وظیفه‌ای را وانهاده است و یا در آینده به آن خواهد رسید. شاید ریشه این اشکال در نسبی‌دانستن حقیقت و ایمان در معنویت مدرن باشد.

### ۹.۶ دست‌نیافتنی و آرمانی بودن

در معنویت مدرن، با بیان شرایط متعدد و سخت «تدین متعقلانه» و «زندگی آرمانی»، دست‌یافتن حداقلی به معنای زندگی برای بسیاری از آحاد جامعه سخت و یا غیرممکن می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، یک نظریه جامع درباره معنای زندگی باید راهنمای عملی داشته باشد و ظاهراً طراحان معنویت مدرن این مسئولیت سنگین را برعهده عقل هر فرد گذاشته‌اند. نکته این‌جاست که همه آدمیان توانایی عقلانی کافی در تشخیص راه زندگی آرمانی را ندارند و با نبود الگوی آماده، به‌یقین آن‌ها دچار مشکل می‌شوند، زیرا خود آن‌ها نمی‌توانند طی طریق کنند و راه را بیابند. در معنویت مدرن، الگوسازی برای زندگی آرمانی برعهده نخبگان است و شاید به همین علت به نظریه معنویت مدرن اشکال نخبه‌گرایی را وارد کرده‌اند. در لابه‌لای صحبت‌های طراحان معنویت مدرن به این امر اشاره شد که این نظریه خطابش به همه مردم است، اما تنها نخبگان از عهده چنین کاری برمی‌آیند، زیرا شرایط معنویت متعقلانه یا دین عقلانی‌شده آن‌چنان سخت است که افرادی نادر از عهده

آن برمی‌آیند و عموم مردم نمی‌توانند چنین شرایطی را رعایت کنند. هم‌چنین به‌لحاظ نفسی تعبد و تقلید و تأکید بر «خودفرمان‌روایی»، آحاد جامعه حق ندارند از یافته‌های نخبگان استفاده کنند و باید خود با به‌کارگیری عقلانیت مدرن به معنای زندگی آرمانی دست یابند. می‌توان حتی از این هم پیش‌تر رفت و گفت که نخبگان نیز توانایی عرضه‌الگوی زندگی آرمانی بی‌عیب و نقص را ندارند. اگر به مکتب‌های ساخت بشر نظری بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که تاجه‌اندازه عیب و نقص و تضاد در آن‌ها وجود دارد؛ لذا چگونه می‌توان انتظار داشت که همه مردم بتوانند خودشان راه‌ورسم و معنای زندگی آرمانی را پیدا کنند! یک نظریه جامع باید، همان‌طور که به‌لحاظ ساختاری و شکل راه‌نمایی عقلانی عرضه می‌کند، به‌لحاظ محتوایی نیز راه‌نمایی کامل و کافی داشته باشد.

### ۱۰.۶ نگاه سطحی و ایجاد معنای زندگی حداقلی

معنویت مدرن با بیان مؤلفه‌های زندگی آرمانی مانند خوش‌بودن، خوب‌بودن، و ارزش‌مندبودن معنای زندگی را برای شهروندان تقلیل داده و به اهداف متعالی انسان توجه چندانی نشان نمی‌دهد. معنویت مدرن، با داشتن مبانی مطرح‌شده و متأثربودن از دنیای غرب، بیش‌تر به فکر ایجاد یک نوع آرامش و آسایش سطحی برای انسان‌های معاصر است، اما خلقت انسان دارای ابعاد متعدد و متنوع است و انحصار توجه به بُعد فیزیکی و این‌دنیایی او نمی‌تواند معنای زندگی جامعی برای او ترسیم کند. برای نمونه، شاید مسئله شادی و سرور در هر دوی معنویت دینی و معنویت مدرن مدنظر و مهم باشد و برای ایجاد معنای زندگی خوش‌لازم باشد، اما شادی و سرور سطحی معنویت مدرن کجا و شادی و سرور معنویت دینی که در طی تقرب به خدای تعالی و سعادت و حقیقت عالم است کجا؟ بسیاری از انواع و مراحل شادی و سرور پایدار برای انسان پیرو و در ظل منابع دینی و اجرای آن‌ها دست‌یافتنی می‌شود، اما معنویت مدرن با کنار گذاشتن و یا بدون توجه به ادیان الهی انسان را از آن‌همه مواهب محروم کرده است (صادقی ۱۳۸۹: ۳۴). انسان معاصر به‌دنبال معنای زندگی‌ای است که در تمام مراحل زندگی و شرایط مختلف به او کمک و یاری برساند. خیلی از مشکلات انسان معاصر دیگر مسائل مادی و دغدغه آسایش نیست، بلکه انسان معاصر از درون و گرایش‌های فطری خود به‌دنبال معنویت و معنای زندگی جامع و صحیح است. لذا معنویت مدرن با این نگاه حداقلی به زندگی و معنای آن و ارائه راه‌کار منحصرأ عقلی نمی‌تواند انسان را حقیقتاً راضی و آسوده کند.

## ۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، نقاط قوت و ضعف معنویت مدرن در معنای زندگی بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که در معنویت مدرن زندگی دارای معنا بوده و از هدف و ارزش برخوردار است، ولی از آن‌جاکه در این نوع معنویت مانند معنویت دینی وجود مطلقى مانند خداوند به زندگی معنا نمی‌دهد، بنابراین همه‌چیز نسبی بوده و این خود انسان است که نوع هدف یا ارزش زندگی را تعیین می‌کند. بنابراین، معنویت مدرن دارای ضعف‌هایی مانند عدم جامعیت، نگاه سطحی به زندگی، عدم شمول، و ... است. است. به‌طور کلی، معنویت مدرن یا پروژه عقلانیت و معنویت با داشتن امتیازاتی مانند تأکید بر عقلانیت مدرن، ملاحظه شرایط انسان مدرن، دغدغه کاهش درد و رنج انسان مدرن، طراحی ایجاد زندگی همراه با خوشی، خوبی، و ارزش مندی، لازم‌دانستن زندگی همراه با فهم و تشخیص هر فرد، برابری طلبی، پرهیز از جزم‌گرایی، و ... در وهله اول جهت ایجاد معنای زندگی جذاب، معقول، و کارآمد به‌نظر می‌رسد، اما با تأمل و بررسی دقیق لوازم پروژه و روشن شدن چالش‌ها و نقاط ضعف اساسی آن این تصویر اولیه از معنویت مدرن از بین می‌رود. بنابراین، معنویت مدرن در بحث معنای زندگی به حداقل‌ها اکتفا کرده است و بیش‌تر رویکردی پراگماتیستی دارد که نوعاً روشی تسکینی و تخدیری برای انسان است. معنویت مدرن با این ساختار قطعاً نمی‌تواند برای انسان شادی، آرامش، و امید پایدار و حقیقی و سازنده به‌ارمغان آورد. این معنویت نمی‌تواند باعث کاهش درد و رنج انسان شود و چه‌بسا ممکن است، با محتوای خود، درد و رنج و سردرگمی انسان را بیش‌تر کند.

## کتاب‌نامه

- ابک، حمیدرضا (۱۳۸۳)، «جستارهایی در نظریه معنویت»، مجله راه‌برد، ش ۳۳.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۹)، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- بیات، محمدرضا (۱۳۹۰)، دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم: ادیان و مذاهب.
- تورسین، کارل ای و دیگران (۱۳۸۳)، «معنویت، دین، و بهداشت شواهد، موضوعات و علایق»، ترجمه احمدرضا جلیلی، نقد و نظر، ش ۳۳ و ۳۴.
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۰)، نقد معنویت مدرن از نگاه روشن‌فکران دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، ج ۱۴، ذیل مدخل «معرفت»، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی اصل، محمدرضا (۱۳۸۹)، «تحلیل و بررسی ابعاد گوناگون معنای زندگی»، *نشریه معرفت*، س ۱۹، ش ۱۱ (پیاپی ۱۵۸)، بهمن.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، *ملا/را و مدیریت*، تهران: صراط.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵)، *بسط تجربه نبوی*، تهران: صراط.
- سروش عبدالکریم (۱۳۷۹)، «ایمان و امید»، *مجله کیان*، ش ۵۲.
- سروش عبدالکریم (۱۳۷۷)، *رازدانی، روشن فکری، و دین‌داری*، تهران: صراط.
- صادقی، هادی (۱۳۸۹)، «اندیشه شناخت؛ ملکیان»، *مجله معرفت کلامی*، ش ۳، پاییز.
- کیرکگارد، سورن (۱۳۷۴)، «انفسی بودن حقیقت است»، *ترجمه مصطفی ملکیان، نقد و نظر*، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز.
- کینگ، اورسولا (۱۳۸۳)، «معنویت»، *ترجمه علیرضا شجاعی، هفت آسمان*، ش ۲۳، آذر.
- کیو بیت، دان (بی‌تا)، *دریای ایمان*، تهران: طرح نو.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵)، *تقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران: طرح نو.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، *ایمان و آزادی*، تهران: طرح نو.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، «میزگرد دین در دورنمای فرهنگی جهان»، *فرهنگ‌نامه*، ش ۹۰.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، *هرمنوتیک کتاب و سنت*، تهران: طرح نو.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ معین*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، *سنت و سکولاریسم*، تهران: صراط.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، «معنویت، گوهر ادیان؛ پرسش‌هایی پیرامون معنویت»، *در سنت و سکولاریسم*، تهران: صراط.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، «زندگی اصیل و مطالبه دلیل». *پژوهش‌نامه متین*، ش ۱۵ و ۱۶، تابستان و پاییز.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲)، «معنای زندگی»، *سلسله جزوات درس‌گفتاری*، مکان: دانشگاه تربیت مدرس.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵)، «سازگاری معنویت و مدرنیته»، *مجله بازتاب اندیشه*، ش ۷۷.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵)، *مهر ماندگار*، تهران: معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹)، *مشتاقی و مهجوری*، تهران: نگاه معاصر.

ارزیابی معنویت مدرن در معنابخشی ... (مهدی نعمتی و سید سجاد جعفری) ۳۱۳

ملکیان، مصطفی (بی تا)، *راهی به رهایی*، تهران: نگاه معاصر.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹)، *حدیث آرزومندی*، نگاه معاصر.

نوریان، مهدی (۱۳۸۳)، «این جایی و اکنونی زیستن از مؤلفه‌های زندگی معنوی با عنایت به سخنرانی

مصطفی ملکیان»، *اصلاح و تربیت*، ش ۳۶، اسفند.

وست، ویلیام (۱۳۸۳)، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه دکتر شهریار شهیدی و علی شیرافکن،

تهران: رشد.

Ayer, A. J. (2000), "The Claims of Philosophy", in: *The Meaning of Life*, Elmer Daniel Klemke (eds.), New York: Oxford University Press.

Edwards, Paul (1967) "The Meaning and Value of Life", in: *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards (ed.), vol. 4, New York: McMillan.

Hepburn, R. W. (2000), "Questions About the Meaning of Life, the meaning of life, Second Edition, E. D. Klemke (ed.), Oxford University Press.

Metz, Thaddeus (2002), "Recent Work on the Meaning of Life", *Ethics*, vol. 112, no. 4.

